

دریچه

بهترین‌های سینمای مستقل بریتانیا معرفی شدند



با اهدای جوایز فیلم مستقل بریتانیا «فترسان» به کارگردانی شارلوت ولز برنده ۷ جایزه از جمله بهترین فیلم شد. به نقل از هالیوود رپورتر، اولین فیلم شارلوت ولز با نام «فترسان» با بازی پل مسکال و فرانکی کورویو، برنده بزرگ جوایز فیلم مستقل بریتانیا ۲۰۲۲ بود و در مراسمی که در لندن برگزار شد از ۱۶ نامزدی که کسب کرد، ۷ جایزه را برد.این درام که درباره رابطه پیچیده پدر و دختری است موفقیت خود را از جشنواره کن شروع و پس از آن جوایز دیگری هم دریافت کرد. این فیلم در مراسم اخیر هم بهترین فیلم شد، هم جایزه بهترین کارگردانی را به دست آورد و شارلوت ولز جایزه بهترین کارگردان اول را هم برد. جایزه بهترین فیلمبرداری، بهترین تدوین و بهترین موسیقی هم به همین فیلم اهدا شد. «بلو جین» جوانی، مجبور به زندگی دوگانه است، از نامزدی در ۱۳ بخش موفق به کسب ۴ جایزه بیفا شد و رزی مکایوون جایزه بهترین بازیگر نقش اصلی، ری هیز جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل، اوکلی جایزه بهترین فیلمنامه و جایزه بهترین گروه بازیگران را برای «شاهین بیگ» دریافت کرد.جوایز بازیگری فیلم مستقل بریتانیا بدون تفکیک جنسیتی اهدا می‌شود.در بخش مستند نیز برنده بزرگ این شب فیلم «هیچ چیز برابری نمی‌کند» ساخته کاترین فرگوسن درباره زندگی سینناد اوکانر خواننده بود که هم به عنوان بهترین مستند بلند انتخاب شد و هم جایزه بهترین کارگردانی اول را به دست آورد. جایزه بهترین فیلم بین‌المللی بیفا هم به «بدترین آدم دنیا» ساخته یواخیم تریر از نروژ رسید. این کارگردان پس از دریافت جایزه‌اش از دست فلورانس پیو، از همه کارگردان‌ها خواست استدلال افرادی که می‌گویند «سینمای مستقل مرده» را باور نکنند.همان‌طور که از پیش معرفی شد سامانتا مورتون بازیگر فیلم‌هایی چون «جین ایر»، «در آمریکا» و «واکینگ دد» جایزه افتخاری بهترین بازیگر فیلم بریتانیا را دریافت کرد.

تجلیل از جورج کلونی در کنار چهره‌های موسیقی

جورج کلونی در مرکز کنش برای دستاوردهای یک عمر فعالیت هنری‌اش تجلیل شد. به نقل از یاهو نیوز، بازیگر «۱۱ یار اوشن» در فهرست چهره‌های مشهوری جای داشت که در مرکز کندی تجلیل شدند. امی گرانث خواننده پاپ، گلدیس نایت چهره موسیقی، تینا لئون آهنگساز و بنو از گروه «U2» هم از دیگر چهره‌های این فهرست بودند.کلونی گفت به عنوان کسی که در یک شهر کوچک از کنتاکی بزرگ شد، هرگز تصور نمی‌کرد روزی روی بالکن افتخار مرکز کندی بایستد و افزود: این یک افتخار بزرگ برای همه خاندان کلونی است.این بازیگر و فیلمساز تا کنون ۲ جایزه اسکار کسب کرده، ۵ گلدن گلوب برده و ۴ جایزه انجمن بازیگران آمریکا، یک بفتا، ۲ جایزه منتخب منتقدان، یک امی، ۴ جایزه هیات ملی نقد و جایزه یک عمر ستارود در هنری از موسسه فیلم آمریکا را در کارنامه دارد.او در مصاحبه‌ای پیش از مراسم تجلیل گفت با دیدن تصویر مرد سالخورده‌ای با موی خاکستری از پشت سر در اولین نمایش فیلمش «بلیت بهشت» پیش از اینکه متوجه شود خودش را با خود فکر کرد او کیست؟!کلونی در مصاحبه‌ای با «واشینگتن پست» با اشاره به اینکه در نقش‌های جوانی‌اش بیشتر استفاده ابزاری از او می‌شد، گفت اکنون ۶۱ ساله است و هنوز می‌تواند کارهای را که تاکنون انجام می‌داده انجام دهد اما ۲۰ سال دیگر همه چیز متفاوت خواهد بود بنابراین ترجیح می‌دهد دیگر مگر در موردی خاص دست به کارگردانی نزنند زیرا سخت و زمان‌بر است، در حالی که بازیگری بسیار آسان‌تر است و دستمزد بیشتری هم دریافت می‌کند و به جایی آن می‌تواند وقت بیشتری را با خانواده‌اش بگذراند.او گفت مدت‌ها به اشتباه فکر می‌کرد برای داشتن یک زندگی کامل باید خیلی کار کند.کارگردان «مردان آثار ماندگار» از همسرش که هشت سال پیش با وی ازدواج کرد برای رسیدن به این دیدگاه یاد کرد و گفت هرگز تصور نمی‌کرد روزی پدر ۲ فرزند باشد.کلونی با اشاره به پل نیومن که او نیز جایزه کندی را دریافت کرده، از فیلم تحسین شده «حکم» نیومن در سال ۱۹۸۲ وقتی او پنجاه و چند ساله بود یاد کرد و گفت: پل نیومن پیری را پذیرفت و صادقانه درک کرد که یک بازیگر شخصیت است. او سعی نکرد چهره‌اش را تغییر بدهد تا جوان به نظر برسد. فقط گفت: من الان این هستم و انتظاراتی که از وجود داشت را کمی تغییر داد.البته همه اینها به معنی عقب‌نشینی این چهره از سینما نیست و در حالی که «بلیت بهشت» در ماه اکتبر اکران شده، او کارگردانی درام «پسران در قلیق» را در برنامه‌اش دارد که درباره قهرمانی تیم قایقرانی دانشگاه واشینگتن است که مدال طلای المپیک ۱۹۳۶ برلین را دریافت کرد.

فرهنگ وهنر

در آمد نجومی تلویزیون از پخش مسابقات مهم‌ترین رویداد ورزشی جهان

جام جهانی به کام صداوسیما



جام جهانی به عبارتی مهم‌ترین رویداد ورزشی جهان و به تعبیری بعد از المپیک، دومین تورنمنت بزرگ دنیا محسوب می‌شود. صداوسیما تعرفه تبلیغات خود برای جام جهانی را به دو برابر افزایش داده و با ارقامی که اعلام کرده، مشخص می‌شود مسابقات از پخش مسابقات بسیار بیشتر از پخش سریال تلویزیونی است. چند روز پیش سایت «بین اسپورت» خبری جالب درباره بازی ایران-مقابل انگلیس منتشر کرد؛ این بازی با ۸۰ میلیون مخاطب، سومین بازی پربیننده در رقابت‌های ۲۰۲۲ قطر بود. ایران در این دیدار با نتیجه سنکین ۶ بر ۲ مقابل انگلیس شکست خورد. ایران – انگلیس در بیش از ۲۵ شبکه تلویزیونی روی آنتن رفت و بعد از بازی عربستان – آرژانتین با ۱۱۱ میلیون مخاطب و قطر – اکوادور با ۹۹ میلیون بیننده، جایگاه سوم را به عنوان پربیننده‌ترین بازی‌های مرحله مقدماتی به نام خود ثبت کرد. این بازی حتی رکورد شبکه بی‌بی‌سی را هم شکست و کمپانی «Barb» اعلام کرد این مسابقه در بالاترین حد خود ۸.۱ میلیون مخاطب داشته است. افرادی روزی که سایت «بین اسپورت» آمر مخاطبان را اعلام کرد، سازمان صداوسیما قیمت تیزرهای تبلیغاتی‌اش را به انتشار رساند. تعرفه تبلیغاتی صداوسیما در کم‌ترین حالت ۷ میلیارد و ۲۹۰ میلیون تومان و در بیش‌ترین حالت ۲۰۲۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان بود. این تعرفه‌ها برای ۲۰ ثانیه تبلیغات تعریف شده و در واقع

صدا و سیما برای هر یک ثانیه تبلیغات از شبکه سه، در کم‌ترین حالت ۳۶۴ میلیون تومان و در بیش‌ترین حالت ۶۸۵ میلیون تومان دریافت می‌کند! این جدول مشخص می‌کند صداوسیما هزینه پخش تبلیغات را دو برابر کرده است. چنانکه خیراتلاین نوشته پیش از پخش مسابقات جام جهانی گران‌ترین تبلیغات شبکه سه سیما برای زمان پخش سریال، ثانیه‌ای ۳۲۷ میلیون تومان بود اما برای مسابقات فوتبال در کم‌ترین حالت، از ثانیه‌ای ۳۶۴ میلیون تومان شروع می‌شود؛ همین مسئله نشان می‌دهد سودی که صداوسیما از پخش فوتبال به دست می‌آورد خیلی بیشتر از پخش سریال است. تلویزیون به دلیل پخش رایگان تولیدات نمی‌تواند از سریال‌سازی پول در بیاورد، به همین دلیل از فرصت سه هفته‌ای جام‌جهانی نهایت استفاده را کرده و برای تولیدات مالی ناشی از ریزش مخاطب را جبران کند؛ ریزشی که در سال‌های اخیر به دلایل مختلف شدت گرفته و رسانه‌های دیگر به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی جای تلویزیون و رادیو را برای مردم گرفته‌اند. صداوسیما تنها هزینه مضاعفی که برای این بازی‌ها پرداخت کرده، خرید حق پخش بازی‌ها است که آن هم از بودجه دولتی قابل تأمین است. ضمن اینکه رسانه ملی در مردم مالیات دریافت می‌کند و مشخص نیست از این پول هنگامت با چه توجیهی دریافت شده و در چه مسیری هزینه می‌شود؛ چرا که سال‌ها است از تولیدات

«الف ویژه» مانند «کلاه پهلوی»، «روزگار قریب»، «شهریار»، «مستاد صفر درجه»، «مختارنامه»، «کیف انگلیسی» و «امام علی» خبری نیست. هرچند مجموعه‌هایی مانند «موسی» و «سلمان فارسی» در دست ساخت هستند ولی بعید است که بتوانند نسل جدید را پای تلویزیون بنشانند. برخلاف صداوسیما دست سینما از جام جهانی کوتاه ماند و گیشه‌ها رونقی به چشم ندیدند. سینماداران از چهار ماه پیش قصد داشتند مسابقات جام‌جهانی را روی پرده ببرند اما با توجه به مخالفت‌ها و مانع‌تراشی‌ها، تنها ۱۴ هزار و ۳۳۷ مخاطب توانستند بازی ایران مقابل آمریکا را در سینما تماشا کنند. سود حاصل از این اتفاق برای سینما، تنها ۶۰۹ میلیون و ۶۰ هزار تومان بود که فقط به ۱۰۳ سالن سینمایی در چهار شهر تهران، قزوین، مشهد و نیشابور اختصاص داشت.

اگر بر فرض تلویزیون قبل و بعد از بازی تبلیغاتی انجام ندهد و بیسن دو نیمه تنها پنج دقیقه تبلیغات نشان دهد، در نتیجه، تلویزیون در کم‌ترین حالت ۱۰۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان و در بیشترین حالت ۲۰۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون درآمد به دست می‌آورد. اگر میانگین این ارقام را در نظر بگیریم درآمد تلویزیون حدود ۱۵۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان است. اگر این پول برای ۶۴ بازی لحاظ شود حدود ۱۰ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان فقط در ۲۲ روز به دست صدا و سیما رسیده، در حالی که مجموع سود سینما ۶۱۰ میلیون تومان بوده است.

خالق «هزاردستان» از نگاه ایرج راد

از اختلاف انتظامی و مشایخی تا میراث علی حاتمی



ویژگی این فیلم مانند دیگر آثار علی حاتمی، دیالوگ‌های آن است که ماندگار شده، مانند همان دیالوگ معروف «مادر؛ «مادر فرد، از بس که جان ندارد» یا یکی از ماندگارترین دیالوگ‌های «هزار دستان» وقتی کفیل نظمیه می‌گوید: «حرف و سخن نشخوار آدمیزاده. دهن آدم زنده به علامت حیات دائم باید بجنبسه یا با خوردنی یا با حرف مفت. به هر حال ضرر درد دل کمتره تا تقلبات درد دل آور. بگید از همون خاطرات شیرین کودکی» با دیالوگ با مزه‌ای که در حال و هوای فیلم بین جعفرخان و دکتر شریف رد و بدل می‌شود. دکتر شریف با هنرنمایی ایرج راد می‌گوید: «مرد حسابی! منم تو همون ملکیتی درس خوندم که تو خوندی، برای خوندن و گذروندن این همه رشته و تخصص که تو اسم می‌بری، بیشتر از صد سال وقت لازمه. جعفرخان با نقش‌آفرینی مرحوم حسین سرشار هم در پاسخ می‌گوید: «تو مسائل جهشی پرشی رو نمی‌دونی جوون». همین چند مورد نشان می‌دهد علی حاتمی ید طولایی در دیالوگ‌نویسی حاتمی از آن دسته هنرمندانی بود که توانست فعالیتش را ادامه دهد. اگرچه اوایل انقلاب و زمان ساخت «هزار دستان» با مشکلاتی مواجه بود اما به مرور زمان این مشکلات حل شد. راد درباره کنار رفتن هنرمند پس از انقلاب می‌گوید: «پس از انقلابی جریانی ایجاد شد که برخی از هنرمندان حذف شدند یا برخی دیگر خودشان به کار ادامه ندادند؛ اما آقای حاتمی به واسطه نوع کاری که انجام می‌داد و ویژگی‌هایی که در کارش داشت، توانست فعالیتش را ادامه دهد. هرچند ساخت «هزار دستان» پس از انقلاب مدتی متوقف و اصلاحیه‌هایی روی سناریوی آن انجام شد تا بتواند ساخته شود.

حاتمی یکی از شاخص‌ترین کارگردانان سینمای ایران است و سبک و سیاق خاص خودش را دارد؛ چه در زمینه کارگردانی و فیلمسازی، چه در زمینه نوشتن سنایو برای فیلم. علی حاتمی می‌توانست به راحتی آنچه را که در ذهنش است به مخاطب منتقل کند و هنرمندی شاخص و خلاق بود. همه آثاری که خلق کرد، تبدیل به اثر شاخص سینمای ایران شد.

● بزرگان هنر کنار یکدیگر

یکی از ویژگی کارهای مرحوم علی حاتمی این بود که می‌توانست نابغه‌های عرصه تصویر را کنار هم جمع کند؛ از پهبروز و توفی، ناصر ملک‌مطیعی، محمدعلی فردین، عزت‌الله انتظامی و جمشید مشایخی گرفته تا محمدعلی کشاورز، داوود رشیدی و علی نصیریان. حاتمی در آن زمان سن و سال کمتری نسبت به تمام این بازیگران داشت اما هم در سینما، تئاتر و تلویزیون کار کردند و همکاری‌های زیادی داشتند. اینکه چه چیزی بین آن‌ها گذشته را کسی نمی‌توانست شرایط را به گونه‌ای کنترل کند تا همه عوامل طبق خواسته او حرکت کنند.

ماجراجویی سال‌هاست نقل می‌شود و آن هم ماجرای اختلاف عزت‌الله انتظامی و جمشید مشایخی با یکدیگر است. ایرج راد درباره این ماجرا می‌گوید: «این دو هنرمند بزرگ سال‌ها با هم در سینما، تئاتر و تلویزیون کار کردند و همکاری‌های زیادی داشتند. اینکه چه چیزی بین آن‌ها گذشته را کسی چندان یا جزئیات نمی‌داند. علی حاتمی هم در جریان این موضوع بود اما وقتی هر دو عزیز را سر کار دعوت می‌کرد، می‌دانست شرایط را چگونه مدیریت و کنترل کند. به نحوی که هیچ‌گاه سر کارهای آقای حاتمی، کسی با دیگری به مشکل نمی‌خورد و همه دوستان به راحتی کنار یکدیگر فعالیت می‌کردند».در سال‌های پس از انقلاب بسیاری از هنرمندان خواسته یا ناخواسته دیگر فعالیت نکردند اما علی حاتمی از آن دسته هنرمندانی بود که توانست فعالیتش را ادامه دهد. اگرچه اوایل انقلاب و زمان ساخت «هزار دستان» با مشکلاتی مواجه بود اما به مرور زمان این مشکلات حل شد. راد درباره کنار رفتن هنرمند پس از انقلاب می‌گوید: «پس از انقلابی جریانی ایجاد شد که برخی از هنرمندان حذف شدند یا برخی دیگر خودشان به کار ادامه ندادند؛ اما آقای حاتمی به واسطه نوع کاری که انجام می‌داد و ویژگی‌هایی که در کارش داشت، توانست فعالیتش را ادامه دهد. هرچند ساخت «هزار دستان» پس از انقلاب مدتی متوقف و اصلاحیه‌هایی روی سناریوی آن انجام شد تا بتواند ساخته شود.

رویداد

چرا ایران ثبت جهانی عود را با سوریه شریک شد؟



اخیرا «هنر ساختن و نواختن ساز عود» به صورت مشترک با سوریه به فهرست جهانی میراث ناملموس یونسکو راه پیدا کرده است؛ سازی که شاید به دلیل محبوبیت بسیارش در کشورهای عربی، به اشتباه گمان بر این باشد که از آن مناطق وارد ایران شده و این در حالی است که این ساز اصالتی ایرانی دارد. در شرایطی که این ساز مشترکا با یک کشور عرب‌زبان به ثبت رسیده و از آنجا که این ساز در اصل ایرانی است، برخی سوال می‌کنند چرا «هنر ساختن و نواختن ساز عود» با یک کشور عرب‌زبان به ثبت رسیده است؟ برت (عود) آخرین پرونده به ثبت رسیده مربوط به موسیقی است ولی همچنان موارد زیادی در زمینه موسیقی باقی مانده است که باید به ثبت برسد ولی بنا بر آنچه پهبروز وجدانی پژوهشگر و مولف حوزه‌های مردم شناسی و موسیقی می‌گوید، هر کشوری در هر دوره سهمیه محدودی برای ثبت موارد مختلف در فهرست جهانی میراث ناملموس یونسکو دارد و باید در نظر گرفت که هر بار می‌توان تنها مواردی از موسیقی را به ثبت رساند.

همچنین به عقیده او اینکه تا به حال از بین ۲۱ مورد ثبت شده، پنج نمونه رسماً متعلق به موسیقی است و در مواردی همچون نوزوز، زورخانه، تعزیه و ساخت لنج نقش، موسیقی بسیار پررنگ است، نکته مثبتی است.

همانطور که خود این کنوانسیون هم می‌گوید یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده میراث فرهنگی ناملموس کشورها، رقص و موسیقی است و یک سوم از عناصری که در جهان ثبت شده، به موسیقی مربوط است.

او در پاسخ به این سوال که با توجه به اینکه برت، ساز برطرفداری در کشورهای عربی است، چرا سوریه این آنها انتخاب شده است؟ می‌گوید: زمانی که هر کنسویی می‌خواهد پرونده‌ای را به ثبت برساند، آن پرونده به دو گروه ملی و چندملیتی تقسیم می‌شود. درحقیقت اگر آن پرونده تنها مختص به یک کشور باشد در دسته گروه ملی قرار می‌گیرد و اگر اشتراکاتی با کشور یا کشورهای دیگر داشته باشد، در گروه چندملیتی خواهد بود.

او ادامه می‌دهد: در مورد پرونده‌ای مانند پرونده «بهارت ساختن و نواختن عود»، از طرف اداره ثبت میراث فرهنگی که مسئول ثبت آثار در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو است، به تمام کشورهای همجوار و تمام کشورهایی که احتمال می‌رود آن اثر را داشته باشند، نامه رسمی ارسال می‌شود. در پرونده «عود» هم به تمام کشورهای عربی و همسایه اعلام شد که قرار است این ساز که اصالتی ایرانی و تاریخچه‌ای قدیمی دارد، به ثبت برسد، حال اگر در کشور آنها هم این ساز در زندگی معاصر مردم حضور دارد، نقش و کارکرد ایفا می‌کند و تمایل دارند که به ایران ملحق شوند، اطلاع دهند که این پرونده را به صورت مشترک به ثبت برسانیم ولی پاسخی از هیچکدام از کشورهای همجوار و عربی به‌جز سوریه دریافت نشد. وجدانی تصریح می‌کند: حال اینکه کشورهای دیگر به هر دلیلی تمایلی به ثبت این ساز به صورت مشترک با ایران نداشتند، دلیل نمی‌شد که پرونده را به ثبت برسانیم یا به صورت ملی به ثبت برسانیم. البته اگر می‌خواستیم با حذف تمام کشورهای منطقه کار را به انجام برسانیم، یونسکو ایران می‌گرفت که چرا در شرایطی که «عود» در کشورهای دیگر هم کار کرد دارد، تلاش می‌کنیم آن را به نام خودمان به ثبت برسانیم؟

«چرا این ایبار را می‌گرفتند؟» به ایسنا می‌گوید: طبق سیاست کنونی یونسکو، بهتر است کشورها به صورت مشترک پرونده بفرستند. نام این کنوانسیون، یا باسداری از میراث فرهنگی ناملموس است که در سال ۲۰۰۳ تشکیل شد و ایران هم در سال ۲۰۰۵ به عضویت آن درآمده است.

روابط سیاسی ایران و سوریه تا چه حد در همکاری آنها در این پرونده تأثیر داشته است؟ پاسخ می‌دهد: بی‌تأثیر نبوده است. مثلاً زمانی که در سال ۲۰۱۶ «تان لواش» به صورت مشترک با ترکیه، آذربایجان، قرقیزستان و قزاقستان به ثبت می‌رسد، نشان می‌دهد این کشورها با هم مشکلی ندارند.وجدانی تصریح می‌کند: به هر حال چند سال است بر اساس سیاست یونسکو، هر چه تعداد کشورهایی که دست به دست هم می‌دهند تا پرونده‌ای را به ثبت برسانند بالاتر باشد، شانس قبول شدن آن پرونده بالا خواهد رفت. «برخی معتقدند ثبت ایسن پرونده با سوریه کار اشتباهی بوده است؟ آیا موافق هستید؟» بیان می‌کند: اینکه این پرونده را با سوریه به ثبت رسانده‌ایم، به این معنا نیست که سایر کشورهای عربی دارند عود، نتوانند در آینده آن را به ثبت برسانند. عود به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ناملموس ایران و سوریه است که به ثبت رسیده است. اگر کشورهای دیگر هم این ساز را می‌سازند، می‌نوازند و بخشی از هویت و میراث آنها است، می‌توانند با ضوابط و سهمیه‌هایی که یونسکو برایشان تعریف می‌کند، این ساز را به ثبت برسانند. اینگونه نیست که هر کشوری که صبح زودتر بلند شد هر چه را که هست به ثبت برساند و سر کشورهای دیگر کلاه بگذارد.